

درس سیزدهم - لطف حق

پروین اعتصامی شاعر ایرانی معاصر است. از او به عنوان مشهورترین شاعر زن ایرانی یاد می کنند. شعرهای او در دیوان اشعارش به چاپ رسیده است. او در تبریز به دنیا آمد و در ۳۵ سالگی در تهران وفات یافت و در شهر قم به خاک سپرده شد.

واژگان

<p>دایه : پرورش دهنده - پرستار کودک شیوه : راه - روش طغیان : بالا آمدن آب دریا - سرکشی و نافرمانی لطف ک محبت و مهربانی به که : بهتر است که گاهواره اش : گهواره ی او خوش تر : خوب تر - راحت تر وحی : پیامی که از طرف خداوند نازل می شود</p>	<p>در فکند : انداخت - رها کرد رب جلیل : خدای بلند مرتبه و بزرگ خرد : کم سن و سال - کودک حسرت : اندوه - افسوس کاین : که این اینک : اکنون - حالا اندر : در عدل : انصاف - عدالت - رعایت برابری بنده پروری : لطف و مهربانی کردن</p>
<p>از پی اش : به دنبال آن پران : در حال پریدن - در حال پرواز اجل : پایان زندگی - زمان مرگ نگون اقبال : بدبخت کمان : ابزار تیر اندازی برکف : در دست قضا : سرنوشت صیاد : شکارچی</p>	<p>شنیدسم : شنیده ام صلاح : شایسته - مصلحت شهباز : نوعی پرنده شکاری سفید رنگ کهنسال : پیر - سالخورده تاخت : حمله کرد - هجوم آورد تازان : با سرعت - شتاب زه : چله کمان بگسست : پاره شد حی داور : پروردگار</p>

هم خانواده :

<p>صلاح : مصلحت - صلح لطف : لطیف - الطاف باطل : ابطال کهن : کهنه</p>	<p>عشق : عاشق - معشوق جلیل : جلال عدل : عدالت - عادل صیاد : صید</p>
--	---

مخالف

<p>نگون اقبال : خوش بخت عدل : ظلم مرگ : زندگی شاد : ناراحت</p>	<p>بی گناه : گناه کار کهنسال : جوان خندان : گریان باطل : صحیح - درست</p>
--	--

کلمات املائی

<p>در فکند - رب جلیل - وحی - باطل - بنده پروری - دایه اش - سیلاب - طغیان - بسپاری - حسرت - خرد - توفان - حی داور - شست پا - اجل - کهنسال - باطل - اندوه - عدل</p>

لطف حق

- مادر موسی چون موسی را به نیل در فکند از گفته ی رب جلیل
وقتی که مادر حضرت موسی به فرمان پروردگار حضرت موسی را به رود نیل انداخت
- خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه گفت کی فرزند خرد بی گناه
در ساحل رود نیل ایستاد و با افسوس نگاه کرد و گفت ای فرزند موچک و بی گناه من
- گر فراموش کند لطف خدای چون رهی زین کشتی بی ناخدای ؟
اگر خداوند تو را فراموش کند چگونه از این کشتی بی ناخدا (گهواره) رهایی پیدا خواهی کرد
- وحی آمد کاین چه فکر باطل است ؟ رهرو ما اینک اندر منزل است
از جانب خدا وحی آمد که این چه فکر باطلی است که می کنی ؟ کسی که به دستور ما و در راه ما فرستاده بودی الان به مقصد رسیده است و جایش امن است
- ما گرفتیم آنچه را انداختی دست حق را دیدی و نشناختی ؟
آن کسی را که به آب انداختی ما مواظبت می کنیم . آیا دست مهربانی خدا را دیدی و نشناختی ؟
- در تو تنها عشق و مهر مادری است شیوه ی ما عدل و بنده پروری است
در تو فقط عشق و مهر مادر به فرزند وجود دارد در حالی که روش ما عدالت و مهربانی به بندگان است
- سطح آب از گاهوارش خوش تر است دایه اش سیلاب و موجش مادر است
حرکت بر روی آب از حرکت در گهواره الان برای او خوشایند تر است . سیل دریا مانند دایه مراقب او و موج را هم مانند مادر برایش قرار دادیم
- رودها از خود طغیان می کنند آنچه می گوئیم ما آن می کنند
رودها به دلخواه خودشان طغیان و نافرمانی نمی کنند . هر چه ما دستور بدهیم آن را انجام می دهند
- ما به دریا حکم توفان می دهیم ما به سیل و موج فرمان می دهیم
این ما هستیم که به دریا دستور می دهیم توفانی شود . این ما هستیم که به سیل و موج فرمان حرکت یا توقف می دهیم
- به که برگردی به ما بسپاری اش کی تو از دوست تر می داری ش
بهتر است که بازگردی و او را به ما بسپاری . تو هرگز نمی توانی او را بیشتر از ما دوست بداری

امید

- شنیدستم که شهبازی کهنسال کبوتر بچه ای را کرد دنبال شنیده ام که باز سالخورده ای کبوتر کوچکی را دنبال کرد
- ز بیم جان کبوتر کرد پرواز به هر سو تاخت تازان از پی اش باز کبوتر از ترس جانش شروع به پرواز کرد اما به هر طرف که پرواز می کرد باز شکاری به دنبالش بود
- به دشت و کوه و صحرا بود پران ز چنگ باز شاید در برد جان در دشت و کوه و صحرا پرواز کرد تا شاید از چنگال باز جانش را نجات دهد و زنده بماند
- اجل را دید و شست از زندگی دست درختی در نظر بگرفت و بنشست مرگ را پیش چشمان خودش دید و نا امید شد . درختی را در نظر گرفت و نشست
- نظر کرد آن نگون اقبال بر زیر که صیادی کمان بر کف به زه تیر آن کبوتر بدبخت وقتی زیر پای خود را نگاه کرد دید که شکارچی کمان در دست دارد و تیری را آماده پرتاب به سوی او کرده است
- به زیر پای صیاد و به سر باز نه بنشستن صلاح است و نه پرواز به زیر پایش شکارچی و بالای سرش باز شکاری نه می توانست آن جا بنشیند و نه پرواز کند

- به کلی رشته ی امید بگسست در آن دم دل به امید خدا بست
کبوتر کاملاً نا امید شده بود و در آن لحظه به خداوند امید وار شد
- چو امیدش به حق بود آن کبوتر نجات از مرگ دادش حی داور
چون که کبوتر امیدش به خداوند بود خداوند او را از مرگ نجات داد
- بزد ماری به شست پای صیاد قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد
ماری شست پای صیاد را نیش زد و تیر رها شد و به بازی شکاری خورد و افتاد
- به خاک افتاد هم صیاد هم باز کبوتر شاد و خندان کرد پرواز
هم شکارچی و هم باز به زمین افتادند و کبوتر با خوشحالی پرواز کرد

دانش زبانی :

گرداگرد یعنی دور تا دور لبالب یعنی پر بیایی : پشت سر هم
سراسر یعنی همه جا دمامد یعنی هر لحظه
شکل و ساخت این کلمه ها را دقت کنید . اسم + اسم
این کلمات توضیح بیشتری درباره ی مفهوم جمله می دهند و معنای جمله را کامل تر می کنند.

نکته :

کلماتی مانند سپس و بعد نیز در دو جمله را به هم پیوند می دهد و به نوعی ترتیب زمانی اتفاقات را نشان می دهد . در واقع جمله دوم در ادامه جمله اول می باشد .
معلم کتاب را بست ، سپس شروع به قدم زدن کرد .
قدم زدن به ترتیب بعد از بستن کتاب صورت گرفته است .

نکات نگارشی :

توجه داشته باشید هنگامی که داستان یک شعر را به صورت متن می نویسید :

- داستان شروع مناسبی داشته باشد
- پیام یا محتوای شعر حفظ شود
- نشانه های نگارشی در جای مناسب استفاده شود
- داستان با جمع بندی مناسبی پایان یابد
- نوشته ی خود را پاک نویس کنید .

***** گروه آموزشی هنر *****

پرسش های متن درس

۱- معنی هر کلمه را مقابل آن بنویسید . www.my-dars.ir

بگسست : تاخت : قضا : شنیدستم :
درفکند : طغیان : حی داور : پران :

۲- کلمات صحیح را انتخاب کنید و در جای خالی قرار دهید .

(لبالب - سراسر - دمامد - گرداگرد)

- وقتی هواپیمای اما بر دل عاشق مردم فرود آمد مرد او حلقه زدند .
- صدای تکبیر از هر سو شنیده می شد .
- هنگام ورود امام خیابان های مسیر استقبال از جمعیت بود .

۳- مخالف هر واژه را بنویسید .

بی گناه : کهنسال : نگون اقبال : خندان :
باطل : مرگ : شاد : عالم :

۴- با استفاده از حروف داده شده، در جای خالی واژه‌ی مناسب قرار دهید.

الف) مادر موسی (و ه ا گ ا ه ر) را به رود نیل سپرد.

ب) شیوه‌ی خداوند عدل و (ه ن پ د ب و ر ی ر) است.

۵- هم خانواده هر واژه را بنویسید .

عشق : حکم : صلاح : لطف :
صیاد: عدل : باطل : جلیل :

۶- جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید.

- مادر موسی، فرزندش را به فرمان خداوند در رود نیل انداخت.

- در آفرینش زمین، همه چیز در اختیار و فرمان خداوند است.

- مادر موسی، او را بیشتر از همه دوست می‌داشت.

۷- مفهوم این بیت چیست .

رودها از خود نه طغیان می کنند
سطح آب از گاهوارش خوش تر است
آن چه می گوئیم ما آن می کنند
دایه اش سیلاب و موجش مادر است

۸- در متن زیر غلط‌های املائی را پیدا کنید و درست آن را بنویسید.

ما به دریا حکم توفان می دهیم . غذا بر باز خورد آن تیر و افتاد . بزد ماری به شست پای سیاد . نه بنشستن سلاح است و نه پرواز .

۹- معنی واژه‌های زیر را نوشته و با آن جمله بسازید.

الف) دمدام = ←

ب) پیایی = ←

گروه آموزشی عصر

۱۰- شعر را کامل کنید .
..... افتاد هم وهم باز کیوتر و کرد پرواز

..... از مرگ دادش
..... بود آن
www.my-dars.ir

۱۱- در جمله دایه اش سیلاب و موجش مادر است . شباهت مادر با موج چیست .

۱۲- رویدادهای زیر را مرتب کنید .

- که ناگهان آسمان گرفت .

- با شروع باران مدتی زیر درخت ایستاد تا باران بند آمد

- او با دیدن در بسته دلش گرفت .

- علی پول را از مادرش گرفت .

- او با سرعت به طرف کتاب فروشی رفت .

- کتاب فروشی بسته بود .

۱۳- منظور از حی داور چیست

الف (فریاد داور ب) داور خوب ج) پرودگار د) داور بزرگ

۱۴- کلمه بعد بین دو جمله چه کاری انجام می دهد .

الف (جمله ها را ربط می دهد ب) ترتیب زمانی را نشان می دهد

ج) مفهوم جملات را به هم ربط می دهد د) مورد ب و ج

۱۵- کدام گزینه جمع نیست

الف (بازوان ب) پران ج) امواج د) درختان

۱۶- کدام کلمه از نظر املائی غلط است .

الف (اجل : پایان زندگی ب) غذا : تقدیر

ج) تاخت : هجوم آورد د) زه : چله ی کمان

۱۷- کدام گزینه همیشه قسمت اصلی جمله است .

الف (مادر ب) پرید ج) موج د) لطف

۱- بگسست : پاره شد	تاخت : حمله کرد	حرکت روی آب از گهواره برایش خوشایند تر است
قضا : سرنوشت	شنیدستم : شنیده ام	سیل مانند دایه مراقب اوست و موج مانند مادر مواظب اوست
درفکند : انداخت	طغیان : بالا آمدن آب	
حی داور : خداوند	پران : در حال پرواز	
۲- گرداگرد - دمام - سراسر	بی گناه : گناه کار	۷- حکم - قضا - صیاد - صلاح
کهنسال : جوان	نگون اقبال : خوش اقبال	۸- هر لحظه - پشت سر هم
خندان : گریان	باطل : صحیح	جمله سازی به عهده ی دانش آموز
مرگ : زندگی	شاد : غمگین	۹- به خاک افتاد هم صیاد هم باز
عالم: نادان		کیوتر شاد و خندان کرد پرواز
۳- گهواره - بنده پروری	حکم : حاکم	چو امیدش به حق بود آن کیوتر
عشق : عاشق		نجات از مرگ دادش حی داور
۴- صلاح : مصلحت	لطف : لطیف - الطاف	۱۰- موج مانند مادر که فرزند را در آغوش می گیرد و تکان می دهد ، گهواره را در میان گرفته و تکان می داد.
صیاد : صید	عدل : معتدل - عدالت	۱۱- به ترتیب ۳ - ۵ - ۱ - ۲ - ۴
باطل : ابطال	جلیل : جلال	۱۲- گزینه ج
۵- درست - درست - نادرست		۱۳- گزینه د
۶- بالا آمدن رودها به خواست و اراده خودشان نیست		۱۴- گزینه ب
آنها کاری که ما فرمان می دهیم انجام می دهند		۱۵- گزینه ب
		۱۶- گزینه ب